

روز حساب

بلشصر ، آخرین پادشاه بابل ضیافت عظیمی برای هزار نفر از امرای خود برپا داشت . درحضور آنها شراب نوشید و بتهای خود را ستایش نموده آنها را بزرگتر از خدای آسمانها دانست . و چون در شرب مسکرات افراط کرده بود و خدایان طلا و تقره و برنج و آهن و چوب و سنگ را تسبیح می خواند در همان ساعت انگشتهای دست یکی بیرون آمد و در برابر شمعدان برگچ دیوار قصر پادشاه نوشت و پادشاه کف دستی را که می نوشت دید. چون نوشته به خطی عجیب و اعلام به زبانی ناشناس بر شد. و فکرش مضطرب و پریشان گردید بطوریکه بندهای کمرش سست شده زانوهایش به هم میخورد. تمام دارالسلطنه را عجیب را بخواند.

بالاخره مادر ملکه بیاد دانیال نبی افتاد که در حین سلطنت شوهرش او را "چونکه روح فاضل و معرفت و فطانت و معماها و گشودن عقده ها در این دانیال که پادشاه او را به بلطشصر مسمی نمود یافت شد ، پس حال دانیال طلبیده شود و تفسیر را بیان خواهد د حضور یافتنش کتیبه را خوانده تفسیر نمود

"در میزان سنجیده شده و ناقص در آمده ای . . . سلطنت تو تقسیم

(آیه ۲۷).

۱ - سنجیده شده ای

ط دست نبوی خبری برای پادشاه داده بود و در همان شب قوای ایرانیان شهر بابل را اشغال نمودند و بلشصر کشته شد. این واقعه تاریخی ما را بیاد روز داوری بشر می اندازد - روزی که خداوند مت خواهد سنجید. آیه

"و نضع الموازين القسط ليوم القيمة فلا تظلم نفس شيئا

(سوره الانبياء آیه

۴۷). و برای روز رستاخیز ترا زوهای داد و راستی را بنهیم پس هیچ کسی چیزی را ستم نمی بیند و اگر آن کردار مقدار دانه ای از خردل باشد آنرا بیاریم و ما از نظر حسابگر بس باشیم .

روز داوری بزودی میآید و وقتی که فرا رسید دیگر فرصت عوض کردن ی حرفهایش و

مکنونات نهفته دلش در برابر احکام غیر قابل تغییر و بی زوال مقایسه

"آری من به زودی می آیم و برای هر کس

(مکاشفه ۱۲:۲۲).

در آن روز خداوند کارهای مردم را صادقانه در نظر گرفته ایمانداران امین را حیات جاودانی و به خود خواهان کیفر مناسب خواهد داد. همان

دانیال نبی که حکم خداوند را برای پادشاه بابل ترجمه کرد رؤیائی از
" هزاران هزار او را خدمت می کردند
و کرورها کرور بحضور وی ایستاده بودند. دیوان برپا شد و دفترها گشوده گردید."
(دانیال ۲: ۱۰)

"پس ختم تمام امر را بشنویم :
از خدا بترس و اوامر او را نگاه دار چونکه تمامی تکلیف انسان این است زیرا خدا
هر عمل را با هر کار مخفی خواه نیکو و خواه بد باشد به محاکمه خواهد آورد."
(جامعه ۱۲: ۱۳ و ۱۴).

در روز مذکور تمام اسرار افراد بشر فاش خواهد شد. سرپوشی روی
اعمال کسی باقی نخواهد ماند زیرا که فرشتگان یادداشتهای خود را دقیقاً
و بدون ممانعت آشکار خواهند نمود و رشوه گیری امروز به پایان خواهد
رسید . گزارش عمر من و شما نسبت به خواسته خداوند چه نتیجه ای
خواهد داشت ؟

۲ - آیا وجدان کافیهست ؟

بعضیها خیال میکنند اگر وجدانشان ناراحت نشود در روز بازپسین قبول
خواهند شد. ولی اگر وجدان آنها طبق دستور خداوند پرورش نیافته باشد
و خود آن اشخاص دستورات خداوند را نخوانده باشند از کجا می توانند
نظریه خداوند را نسبت بخوبی و بدی خود بدانند؟ فقط بهتر بودن از
همسایه کافی نیست . در روز داوری هر کس با گزارشهایی که فرشتگان از

افعال و اعمال آنها نوشته اند محاکمه خواهند شد و گزارشهای فرشتگان عین حقیقت است . حساب من و شما در آن روز چگونه خواهد بود؟ پاداش و کیفر صحیح به همه داده خواهد شد. وجود یک گناه شخص را از حیات ابدی محروم می کند که قبل از آن روز حساب باید تسویه شده باشد. بدهکاری در داخل فردوس نخواهد بود. یک پای فرد در بهشت و پای دیگرش در جهنم نخواهد بود زیرا که بهشت و جهنم آن قدر نزدیک بهم نیستند.

اقل کوشش نزد خداوند قبول شوند و بخاطر کوتاهی عمر خود همه جور عذر و بهانه می آورند. در روز داوری هیچ عذری پذیرفته نخواهد شد و با مبلغی بعنوان رشوه دهان ه و گرفتاری ه با گفتن فرمولی یا توسل بدروغ کسی بجائی نخواهد رسید.

ل به خداوند فرصت توبه و اصلاح هست . این امر صحیح است که ایمان به خداوند کم شده و ایمانداران واقعی مورد تمسخر مدرنیستها قرار می گیرند و بسیاری خیال می کنند، با وجود اینکه کلاهدار و دروغگو و خائن و حقه باز هستند، اگر رسوم و تشریفات مذهبی را کمافی السابق و مثل دیگران انجام دهند این دیگر کافی میباشد و لذا بتصور خویش با تکرار طوطی وار آنها عاقبت خوش و آسوده خود را تأمین میکنند.

دیگران خیال می کنند که بهشت و جهنم هر کدام در صفحه ترازوی
ر می کنند هر قدر کارهای
بد انجام دهند با اعمال شایسته می توانند ترازوی کارهای خوب خود را
س

خداوند این موضوع را تأیید نمی کند. مردم سنجیده خواهند شد -
صحيح . کارهای نیک و بد شخص در نظر گرفته خواهند شد - درست .
ی نسبت .

اصل موضوع در اینجاست : که هیچ کس با کارهایش مقایسه نخواهد شد
بلکه با محک یا میزان یا مقیاس الهی سنجیده خواهد شد.

۳ - شصت در صد خوب

خزانه دار شرکت بزرگی را در نظر بگیرید که ماه بماه حقوقش را می
گیرد. این خزانه دار مردی امین است - یعنی اغلب اوقات حسابش
به خزانه شرکت می ریزد. مرتباً

- یعنی شصت در صد از پولهای شرکت را با صدور قبض و رسید به
حساب شرکت می گذارد و فقط چهل در صد پولها را به حساب خودش
ه می شود که فلانی مختلس چهل

در صد از درآمدهای شرکت بوده چکارش میکنند؟ خلاصه موضوع به دادگاه
کشانیده می شود و خزانه دار محترم ادعای شرف می کند که من کار
بدی نکرده ام - در پرداخت شصت در صد پولهای شرکت امین و

درستکار بودم . " مگر شصت در صد از چهل در صد بیشتر نیست ؟ ولی
سی اگر ۹۵ در صد پول
شرکت را به طور صادقانه به حساب شرکت گذاشته باشد و فقط پنج در
صد و یا یک در صد را دزدیده باشد و ۹۹ در صد را به حساب شرکت
ریخته باشد و بقیه کارهایش را خوب انجام داده باشد - آن یک در صد
جبران گنااهش را نخواهد نمود. خداوند هم به هیچ عنوان جائی در
سی یک در صد
تعیین نکرده است . خداوند خدمتگزاران کامل می خواهد نه دروغگویان
و حقه بازان را.

عده ای هستند که خیال می کنند گناهانشان را با کارهای نیکو از
س می
اگر شخصی امروز کار نیک انجام نداد فکر
میکنند اگر فردا دوبرابر کار نیک انجام دهد در درگاه خداوند قبول
میشود. حقیقت امر این است که اگر فردا بتواند دوبرابر کار خوب بکند
دال بر آن است روزهای عادی فقط با نصف وظیفه اش عمل کرده است .
اکثر توان خود، او را خدمت کنیم.

ر می کنند در طول عمر هر قدر
کار بد کرده باشند عیب ندارد زیرا که در روز قیامت اگر فرضاً آیه ای را
بل به فلان کس شدند ، فردوس خود به خود از آن
ایشان خواهد بود. ناگفته نماند که تنها با حرف هرگز خداوند را نمیتوان

می باشد. کسی که طول عمرش خود خواه و برده شیطان بوده با گفتن چند کلمه نمی تواند جهنم را با بهشت عوض کند. هرچه شخص در این دنیا بوده در روز بازپسین نیز همان خواهد ماند.

استشهاد حقیقت "لا اله الا الله" بر سرزبان همه است در صورتیکه همه طبق آن شهادت زندگی نمی کنند. حسابشان کسری دارد زیرا که عملشان با گفته هایشان مطابقت نمیکنند. بیشتر مردمی که به خدا قسم می خورند می نیست که "خدا شاهد است" و خدا یکی است و صراط هم یکی است. ما باید کوشش کنیم آن صراط مستقیم را پیدا کنیم که آن صراط کامل است و نقصی ندارد. اما در می بهترین مؤمنین هم در طول عمرشان مرتکب خطا شده اند و از رسیدن به درجه کسی که بداند نیکی چیست و

(یعقوب ۴:۱۷).

اگر بینی که نابینا و چاه است وگر خاموش بنشیننی گناه است بشری نیست که در عمرش از انجام کار نیک غفلت نکرده باشد. رسول (رومیان

۳:۲۳).

ف شخص را

مرگ ابدی نصیب گناهکار می شود

"گناه بوسیله یک انسان بجهان وارد شد و این گناه مرگ را به همراه آورد. در نتیجه ، چون همه گناه کردند مرگ همه را در بر گرفت ." (رومیان ۵:۱۲). گناه مثل مرض مسری به همه سرایت کرده است . مسأله ۴

نموده است . آن علاج عیسی مسیح است که راه را نشان داد و علاج مسأله گناه را بیان کرد.

۴ - مدافع قادر

ناه مبدأ تمام بدبختی ها و بیماری ها و مرگ است . بسیاری از مت گناه بیمار شده بودند. یکی از آنها مفلوجی بود که از پزشکان کمک خواسته بود ولی همه اقرار کرده بودند که علاج وی از اختیار ایشان خارج است . چون آن شخص بیمار شنیده بود که مسیح از ده او باید عبور کند امید تازه ای به قلبش راه یافت . در نتیجه به دوستانش اصرار کرد که او را به نزد مسیح ببرند. بیچاره مشرف به مرگ بود و هنگام نزدیک شدن به خانه ای که ۴

ت ازدحام نمیتوانند بدر خانه نزدیک شوند. بنابراین دوستانش تصمیم گرفتند او را به پشت بام برده ویرا از طریق سوراخی در سقف به حضور مسیح ببرند. مسیح چشمان اشک آلود مریض را نگاه کرده

ة ایمان را

(لوقا ۵:۲۰).

بار گناهان از دوش مریض برداشته شد و دیگر احساس درد هم
"این کیست که

ا عیسی افکار

"چرا چنین افکاری در ذهن خود

میپروانید؟ آیا گفتن اینکه گناهان تو بخشیده شد، آسان تر است یا گفتن اینکه بلند

(لوقا ۵:۱۹-۲۳).

"به تو می گویم بلند شو، تشک

شخص مفلوج و نیم مرده

برخاست ، نمد خود را برداشته شکرکنان و خداوند را تسبیح گوین بسوی
خانه اش روانه شد.

ط مسیح دردها و ضعفهای بشر را مرتفع گردانید و بر

تجربه شوم مرگ فاتح شد. با این وصف مسیح خیلی بیشتر از شفای

ت اصلی بیماری و

"هیچ گناهی نکرد و هرگز

ل پطرس ۲:۲۲).

چون خداوند در مسیح بود توانست بر گناه فائق آید و مسأله گناه را

کند. چون همه مرتکب گناه شده اند نمی توانند جرم گناه را

بپردازند. گناهکار در حضور خدای عادل نمی تواند مدافع گناهکار
یگانه مدافع

قادر نیز می باشد.

ب در اینجاست که چرا

خداوند انتخاب می کنند. خداوند

راهی برای برگردانیدن گناهکار به درگاه خود ایجاد نموده است . واسطه

”زیرا یک خدا و یک

ل تیمونائوس

(۵:۲).

روز حساب روز داوربست و هر فرد احتیاج به واسطه ای دارد که قادر
به پرداخت جریمه گناه باشد. کسی که دزدی کرده باشد شخص دزدی را
به عنوان وکیل برایش انتخاب نمی کند و کسی که قاتل باشد جنایتکاری
را برای دفاع از او استخدام نمی نماید. همچنین شخص گناهکار نمی
تواند شخص گناهکار دیگری را به عنوان واسطه خود بگیرد. شخص بدهکار
به کمک دوستی محتاج است که خود بدهی نداشته باشد. مسیح گناهی
نکرد و با قدرت الهی نشان داد که میتواند بر گناه و بیماری و مرگ
استیلا یابد حاضر شد واسطه گناهکاران شود. آری قادر مطلق راهی برای
پرداخت جرم گناه ایجاد نمود. گناهکاران آن راه و وسیله را با ایمان
میپذیرند. جرم یا نتیجه گناه مرگ است . خداوند به حضرت ابراهیم

دستور داد تا فرزندش را ذبح کند. او نمونه ای بود از تمام خطاکاران و همچنان که آن حضرت با ذبح عظیم نجات یافت همچنین نیز هر ط ایمان به داوطلب بی گناهی میسر می گردد.

بنابراین نجات را نمی توان با عمل خرید بلکه فقط با ایمان می شود آنرا دریافت نمود - ایمان به طریقی که خداوند فرموده است . مسیح (یوحنا ۱۴:۶). سزاوار است آن را یا طریق را ببینیم تا در یابیم خداوند چه علاجی برای نجات انسان خلق نموده است . یک میانجی لازم داریم که با اشکالات ما آشنائی داشته باشد. برای این است "خود را از تمام مزایای آن محروم نموده بصورت یک غلام در آمد و ت ایمانداران به وجود آمد:

لازم بود که او از هر لحاظ مانند برادران خود بشود تا به عنوان کاهن بزرگ آنان در امور الهی ، رحیم و وفادار باشد تا گناهان مردم را کفاره نماید. چون خود او وسوسه و رنج دیده است ، قادر است آنانی را که با وسوسه ها روبرو (عبرانیان ۲:۱۷و۱۸).

اگر مسیح فردی عادی بود نمی توانست میانجی گناهکاران بشود. "کسی بیرون خواهد آمد که بر قوم من اسرائیل حکمرانی خواهد نمود و طلوعهای او از قدیم و از ایام (میکا ۵:۲). آن روحی که در جسم عیسی بن مریم ساکن

بود از ازل وجود داشت . روحی که مسیح را قدرت بخشید روح خداوند بود که در ابتداً عالمها را به وجود آورد. به دلیل یکی بودن آن روح و خدا ابراهیم ، من بوده ام و

(یوحنا ۸:۵۷).

بدین جهت در صفحات ترازوی داوری آن که به روح الله و کلمه خدا نامیده شده است و روح حیات را به آدم دمید و نفس به موجودات بخشید - فقط اوست که می تواند حساب خطاکار را در روز حساب بپردازد. اگر خود خطاکار بخواهد و طلب نماید. ما از خود نمی توانیم دین خود را ادا کنیم ولی او قادر و مایل است جریمه گناه را که مرگ است بپردازد.

روزی یک قاضی در دادگاه شهر بزرگی وضع متهمین را بررسی می کرد. ناگاه دوست قدیمی دوران تحصیل خود را در بین آنها دید. مأموران دادگاه که دلایل گناه و تقصیر او را خواندند داور دانست که حکم صادر کرد. ولی مجرم قبل از آن خواست چیزی بگوید. پیش مسند آمده به داور گفت: آیا مرا نمی شناسی؟ آیا یادت نیست که همکلاست بودم؟ آیا نمی توانی کمکم کنی؟ پول ندارم که جریمه بدهم. این دفعه مرا ببخش . قول می دهم که دیگر کار بد نکنم. دل داور به حال دوست قدیمی اش سوخت ولی نگاهی به عیان کرده دانست که حکم عادلانه ای باید صادر کند زیرا دیگران

هم از او انتظاری داشتند. آیا داور به خاطر دوستی رفیقش را آزاد خواهد کرد یا عدالت را بر قرار خواهد نمود؟ رو بدوستش کرده گفت : "بسیار متأسفم. اینجا دادگاه است و مجبورم صادقانه حکم بدهم و دلیل شاهدان را نمی توان زیر پا گذاشت . اگر شما را آزاد کنم عادلانه نیست و به دادگاه لطمه می خورد. جریمه باید پرداخته شود." سپس بعد از صدور حکم کردند زیرا که داور دست به جیب برده مبلغ گزاف جریمه را خود پرداخت و دوستش تبرئه شد.

خداوند راه خلاصی از جرم گناه را فراهم آورده است . آن خلاصی مسیحی مسیح ممکن میشود که خود هدف تنفر مردم را گرفته بی تقصیر بود در نبرد با گناه مت خود را به کسانی که مایلند خود را از چنگال گناه برهانند، ارزانی میدارد. عمر بی گناه وی دال بر آن است که قدرت خداوندی بیاوریم و از حیات جاودانی بهره مند شویم *

امتحان درس سیزدهم

۱ - عاقبت شخص در چه موقع تعیین می شود؟

- ()
- ()
- ()

۲ - حکم داور بر روی چه اساسی داده میشود؟

- ()
- ()

ج- فقط کسانی که به گناهانشان اعتراف میکنند و با ایمان عدالت

- ()

۳ - کدامین از جملات ذیل درست است ؟

۱- ممکن است کسی به توحید خداوند ایمان داشته باشد ولی

- ()
- ()
- ()

نام و نشانی خود را بطور واضح بزبان انگلیسی بنویسید

نام

نشانی

شهرستان و کد زیپ

جوابهای صحیح. ۱=ب \ ۲=ج \ ۳=ا و ب.